

ایران چقدر است؟

خیلی! متأسفانه روانشناسان در دفاتر فیلم رفت و آمد ندارند و همچنین فیلمسازان نیز تا حد زیادی خود را بی‌نیاز از دانش روانشناسی می‌دانند. روانشناس مجرب می‌تواند در سوژه بای، پرداخت سوژه، شخصیت پردازی، ترکیب بندی‌های هنری و زیبایی‌شناسی از ابتدا در کنار فیلم باشد. مباحث و لحظه‌های بسیار زیادی در شخصیت، رفتار، هیجان، شناخت، انگیزه‌ها، تیپ‌های شخصیتی وجود دارد که کاملاً دراماتیک است. به عنوان نمونه تعریفی که فروید از اضطراب دارد و استفاده او از نمادها و اسطوره‌ها برای تبیین مفاهیم روان تحلیلیگانه دستمایه‌های دراماتیک هستند که می‌توانند به کاتارسیس در مخاطب نیز بینجامد و بسیار اثر گذار باشند. در این باب، رویکردها و نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که من‌ردپایی از آن‌ها در سینما ایران نمی‌بینم، البته گاهی به این موضوع توجه شده اما به طور رایج خیر! بر اساس مشاهداتم این مفاهیم در تئاتر بهتر و بیشتر استفاده می‌شود، اما در سینما کمتر است. من فیلم ناب روانشناختی بجز یکی دو مورد ندیده‌ام.

هر از گاهی در بحران‌هایی که در کشور وجود دارد بخشی از سینماگران با نوعی اعتراض مثلاً تحریم جشنواره، واکنش نشان می‌دهند نظر تان درباره واکنش‌های این چنینی چیست؟

معتمد باید مسأله اعتراض کاملاً مشخص باشد. شخصی که اعتراض و یا تحریم می‌کند، باید به طور صریح مشخص کند که به چه موضوعی اعتراض دارد؟ در چه سطحی اعتراض دارد؟ چرا تحریم می‌کند؟ خود فرد به این نتیجه رسیده یا به بنا به یک رفتار منفعلانه مانند تبعیت احساسی از دیگران دست به اعتراض می‌زند؟ اعتراض تصریح شده و البته همراه با استقلال فکری بد نیست. می‌توان حضور داشت و اعتراض هم داشت. به نظر من در چنین شرایطی عدم حضور توجیه ندارد. بر همین اساس من بیشتر یک دومینوی احساسی مشاهده می‌کنم. ضمن اینکه در هیچ جای دنیا پدیده‌های اساسی و ملی تحریم نمی‌شوند. هر حرکتی باید با شاخص منافع ملی عمل شود. ممکن است با روند و افراد و مدیران موافقت نداشته باشیم، اما نفعی آن معنا ندارد.

در میان فیلم‌ها اثری هست که در ذهن شما ماندگار شده باشد و با توجه به تخصص روانشناسی و نگرش فرهنگی تان نظر شما را جلب کرده باشد؟

پاسخ: من معیار نیستم، اما اثری که ذهن من را به لحاظ روانشناختی خیلی درگیر کرده باشد ندیده‌ام. البته بازی یک بازیگر در ذهن من باقی مانده است.



نشان دادن نمونه‌های تلخ و آسیب‌های جامعه با سیاه‌نمایی و تلخ‌گرایی متفاوت است. بهتر است در این خصوص به شاخص «واقع‌گرایی» روی بیاوریم تا از انصاف خارج نشویم. در واقع گرایی نشان دادن نکات منفی و آسیب با مثبت‌اندیشی منافاتی ندارد

دادن نکات و پدیده‌های منفی اجتماعی با منفی‌اندیشی متفاوت است. این نکته ظریفی است. هر کارگردانی که فیلم تلخ می‌سازد، لزوماً منفی‌اندیش نیست، اما می‌تواند باشد. برای ارزیابی دقیق‌تر باید به شاخص واقع‌گرایی روی آورد.

جای چه فیلم‌هایی در سینمای ایران و در این دوره از جشنواره فجر خالی است و فکر می‌کنید لازم بود درباره موضوع مدنظر فیلمی ساخته شود؟

در این جشنواره و بسیاری از جشنواره‌های پیشین، جای فیلم‌های کمدی، علمی، تخیلی، معمایی و اکشن خالی است. جنس فیلم‌ها عموماً به سمت مقوله‌های اجتماعی، آن هم در موضوعات محدود اجتماعی، می‌رود. البته درباره پدیده‌های فرهنگی اجتماعی مثل بلاگرها و روایت داستان در دل محیط‌های علمی چند فیلم وجود دارد که برای سینمای ایران خیلی کم است. متأسفانه سید سینمای ایران به لحاظ تنوع ژانر و موضوع سبک کاملی نیست. اما توان دانشی و حرفه‌ای آن در سینمای خوب ایران وجود دارد. اینکه چرا به اینجا رسیدیم، خوب است در گفتگوهای آسیب‌شناسی شود. نباید این موضوع را فراموش کنیم.

انتقادی که به فیلم‌های این دوره از جشنواره مطرح شد این بود که با آثار آرگانی هستند و یا بسیاری در فضاهای سوژه‌های مشابه ساخته شده‌اند. این حرف درست است؟ لطفاً در این باره توضیح دهید.

در این موضوعی که گفتید من تفاوت معناداری بین این جشنواره و جشنواره‌های پیشین نمی‌بینم.

همانطور که مستحضرید هیات انتخاب از مواردی است که بیشتر در ایران وجود دارد و در فستیوال‌های خارجی کمتر با چنین شیوه‌ای پیش می‌رود. فکر می‌کنید امتیاز چنین هیاتی در جشنواره‌ها به چیست؟

برای انتخاب فیلم برای داوری در جشنواره روش‌های متعددی وجود دارد. این روش سال‌هاست که اجرا می‌شود. من فکر می‌کنم در این باره بهتر است دبیران ادوار مختلف جشنواره فجر و جمعی از تهیه‌کنندگان و کارگردان‌های با تجربه آن را بررسی کنند. شاید بهتر باشد براساس مقتضیات زمان، یک بازنگری منطقی صورت بپذیرد. این بازنگری نباید مقطعی و در جمع کوچکی صورت بگیرد، بلکه شاید بازنگری در یک آکادمی هنری سینمایی با نتایج خوبی همراه شود.

با توجه به تخصص شما در حوزه روان‌شناختی، ضرورت توجه به درام‌ها و تریلرهای روانشناسانه را در سینمای

کننده واقعیت نیست، بلکه عین واقعیت است. بنده برای تکرر در اندیشه‌ها و سلاقی، اصالت قائل هستم و آن را عامل مهمی در رشد فکری انسان و جوامع می‌دانم. اما یکسونگری همیشه ناقص تکرر نیست.

فضای گفتگوها بین اعضا، برای انتخاب فیلم‌ها چگونه بود؟ چقدر نیاز به مذاکره و اقناع یکدیگر داشتید؟ چه نکاتی برای اعضا غلبه و تاکید بیشتری داشت؟

به طور مرسوم، مشاهده فیلم‌ها یک طرف، و انتخاب فیلم‌ها و داوری هنری و فنی یکطرف. برای اینکه در باره انتخاب و داوری، اجماع صورت بپذیرد به اقناع یکدیگر نیاز است. متقاعدسازی کار آسانی نیست، باید از استدلال و منطق بهره جست تا بتوان بر نظر دیگری تاثیر گذاشت. در این جمع نیز در جاهایی که اختلاف نظر وجود داشت، بحث‌های جدی صورت می‌گرفت. و در این بحث‌ها تفاوت‌ها، بلکه تفاوت‌های جدی در نوع نگاه خود را نشان می‌داد. در مورد چند فیلم نیز اختلافاتی وجود داشت که آن آثار از بخش سوادی سیم‌خارج شونده.

برای گزینش میان فیلم‌ها دستورالعمل یا تائیدی از سوی ارشاد یا دبیر جشنواره وجود داشت که چه مدل فیلم‌هایی تائید یا چه مدل فیلم‌هایی رد شوند؟

من در این خصوص نه توصیه‌ای شنیدم و نه پیشنهادی از سوی مسئولان جشنواره.

چندی پیش وزیر ارشاد تاکید کرد که در این دوره فیلم سیاه‌نما وجود ندارد اساساً فیلمی بود که احساس کنید تلخ است یا سیاه‌نمایی دارد و کنار گذاشته شود؟

در این دوره نیز همانند ادوار قبل، فیلم‌های تلخ وجود دارد. البته تولید فیلم‌هایی که آسیب‌های اجتماعی و معضلات جامعه را مطرح می‌کنند نیاز است. این فیلم‌ها برای توصیف جامعه و البته درمان و اصلاح آن ضرورت دارد. درست است که کمی ذائقه انسان را تلخ می‌کنند، اما برای اصلاح جامعه و ایجاد دغدغه در مدیران جامعه لازم است. فیلم‌هایی که هشدارهای جدی می‌دهند، فیلم‌های خوبی هستند، اما ممکن است مورد استقبال مسئولان قرار نگیرند اما باید به این نکته توجه داشت که نشان دادن نمونه‌های تلخ و آسیب‌های جامعه با سیاه‌نمایی و تلخ‌گرایی متفاوت است. بهتر است در این خصوص به شاخص «واقع‌گرایی» روی بیاوریم تا از انصاف خارج نشویم. در واقع گرایی نشان دادن نکات منفی و آسیب با مثبت‌اندیشی منافاتی ندارد. اگر فیلمی به گونه‌ای بدی‌ها را بزرگ کند که گویی هیچ پدیده مثبتی در جامعه وجود ندارد، این واقع‌گرایی نیست، این منفی‌نگری است. پس نشان